

به بهانه‌ی جشنواره‌ی بین‌المللی نمایش عروسکی «مبارک»

تکم، چمچمه گلین، مبارک و دیگران عروسک‌هایی که عاشق‌شان می‌شوی



عکس: رضا قاضیانی

تا حالا شده وقتی مریض می‌شوی، به جای این که بروی دکتر، بروی نمایش ببینی؟ می‌خندی؟! جدی پرسیدم. می‌گویی چه ربطی دارد؟ آخر خبر نداری. انسان‌های اولیه برای شفای یک بیمار از آیین‌هایی استفاده می‌کردند که یک جورهایی شبیه نمایش‌های امروزی ماست. یعنی نمایش از دل همین آیین‌ها به وجود آمده. تازه این که چیزی نیست. آن‌ها حتی برای طلب باران یا دفع بلا و خیلی چیزهای دیگر از این روش استفاده می‌کردند. در اجرای مراسم، عروسک نقش خیلی مهمی داشته. در ایران خودمان عروسک‌های زیادی برای اجرای این مراسم ساخته شده و هنوز هم در بعضی از شهرها گاهی برای یاد کردن از این مراسم، اجرا می‌شود.

به بهانه‌ی جشنواره‌ی نمایش عروسکی مبارک با آقای «مهدی چاکری»، نویسنده و کارگردان نمایش «ناگهان گفتی» که در این جشنواره حضور داشتند، مصاحبه‌ای انجام دادیم که خواندنی‌ست.

داستان نمایش درباره‌ی گفتاری‌ست که در حرم امام رضا (ع) زندگی می‌کند و عاشق زائری به نام طوبا می‌شود... ویژگی قابل توجه در این نمایش استفاده از عروسک‌های کبوتری است که داخل آن‌ها نورهایی تعبیه شده و بال عروسک‌ها دست خود باز یگرهاست. یعنی زمانی که نوبت هر کدام از کفترها می‌شود، توسط عروسک‌گردان نور داخل بدن عروسک روشن می‌شود.

در هفته‌ای که گذشت سالن‌های نمایش شاهد اجرای نمایش‌های عروسکی بودند که به مناسبت جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی مبارک دور هم جمع شده بودند. نمایش‌های عروسکی که جهت آشنایی ما و شما با مراسم‌های سنتی شهرهای مختلف ایران و البته کشورهای جهان و عروسک‌های خاص آنها بود. مراسم‌های سنتی مانند تکم‌گردانی در عید نوروز توسط هم‌میهنان آذربایجانی و مراسم تمنای باران با چمچمه. چمچمه گلین عروسکی‌ست که با قاشق چوبی ساخته می‌شود و دختران آذربایجانی در تمنای باران دست به این مراسم می‌زنند.

دختران ده، این عروسک را ساخته و به همراه آن به خانه‌ها سرک می‌کشند و برای تهیه‌ی آش نذری مواد جمع می‌کنند و آن‌ها را در مسجد جمع کرده و آش را پخته، بین مردم تقسیم می‌کنند. بعد برای بارش باران دعا می‌کنند. عروسک دیگری که همبازی دختران گیلانی بوده کتراکیشه (کترا به معنای قاشق چوبی) است. کودکان پوشانده و می‌رقصانند و شعر می‌خوانند. فکرش را بکن، چه قدر جالب!



ماندگارترین یا به عبارتی تنها چیزی که از بین آن همه مراسم و عروسک به جا مانده، نمایش خیمه‌شب‌بازی‌ست. یک خیمه به اضافه‌ی صندوقی که عروسک‌های نخی از داخلش بیرون می‌آیند و یک کمانچه و تمبک از وسایل اصلی این نمایش هستند. عروسک‌های عبارتند از: مبارک، پهلوان کچل، وروره جادو و... اما داستان اصلی بر سر ماجراهایی‌ست که مبارک به وجود می‌آورد. مبارک عروسک شوخ و بذله‌گویی‌ست که معمولاً حرف‌ها را اشتباه برداشت می‌کند و به همین خاطر معمولاً در دسرهایی به بار می‌آورد. اما خیلی پاک و مهربان و دوست‌داشتنی‌ست. برای صدای مبارک از صفیر استفاده می‌شود. صفیر یا سوتک دو قطعه‌ی فلزی‌ست که بین آن‌ها پارچه‌ای گذاشته شده و با نخ محکم به هم بسته شده. صفیر را عروسک‌گردان مبارک در دهان می‌گذارد و در آن می‌دمد و صدای عروسک را به وجود می‌آورد.



آقای چاکری، تعریف شما از نمایش عروسکی چیست؟

نمایش عروسکی نمایشی است که کاری را انجام بدهد که آدم‌ها نمی‌توانند انجام بدهند. یعنی زمانی از عروسک می‌شود استفاده کرد که بازیگر نتواند از عهده‌ی آن بر بیاید و در نمایش من، قطعاً بازیگرها نمی‌توانستند نقش کفترها را بازی کنند.

عروسک‌های شما چه قابلیت‌هایی نسبت به بقیه‌ی عروسک‌ها داشتند؟

فضای کار ما به گونه‌ای بود که نمی‌شد از کفتر واقعی که غیرقابل کنترل است استفاده کرد و از طرفی به خاطر آن فضای ماورایی و جادویی که مد نظرم بود، از انسان هم نمی‌توانستیم استفاده کنیم. از طرف دیگر ما همیشه در سالن‌های تئاترمان با محدودیت نورپردازی مواجه هستیم، به خصوص برای کار عروسکی و از آن جایی که محدودیت باعث خلاقیت می‌شود به این ایده رسیدم که به جای نورپردازی برای عروسک، نورها در داخل خود عروسک‌ها تعبیه بشوند.

ایده‌ی اصلی نمایشنامه از کجا شروع شد؟

راستش نمی‌دانم از کجا شروع شد اما همیشه برایم جذاب بود که اگر یک حیوان عاشق یک آدم بشود چه می‌شود؟ عشق انسان به حیوان همیشه زیاد بوده اما برعکسش هیچ‌وقت در هیچ نمایشنامه‌ای نبوده.

نظر تان درباره‌ی جشنواره‌ی مبارک؟

جشنواره‌ی عروسکی مبارک بسیار جشنواره‌ی حرفه‌ای است. اما عرصه‌ی نمایش عروسکی عرصه‌ی خلاقیت است و در این دوره بسیاری از نمایش‌ها رنگ و بویی از خلاقیت نبرده بودند. باید نمایشنامه‌ها اجرا شوند که حرف جدیدی بزنند، حرفی که از دل مردم و جامعه بیرون آمده باشد. باید متنی را به شیوه‌ی عروسکی اجرا کنیم که واقعا قابلیت عروسکی اجرا کردن داشته باشد. خیال نکنید که نمایش من کار خوبی‌ست، انقدر نمایش‌های ضعیفی بود که کار من به نظر بقیه جذاب آمد.

برای یک نمایش خوب باید نمایشنامه‌ی قوی داشته باشیم. به امید آن روز.

